

شناسایی عوامل مؤثر بر جذب خیران و واقفان در ورزش

محمدصادق افروزه^۱، حکیمه افروزه^۲، فاطمه کاملی^۳

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه چهرم*

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۳. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد لارستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۴

چکیده

در جوامع امروزی، یکی از عوامل توسعه ورزش مشارکت افراد جامعه است. این پژوهش با هدف شناسایی عواملی انجام شد که بتوانند خیران و واقفان را به عرصه ورزش سوق دهند. روش پژوهش، آمیخته بود و جامعه آماری متشکل از خیران، واقفان، مدیران و کارشناسان ورزشی و حج و اوقاف بود که با توجه به روش نمونه‌گیری هدفمند و دردسترس، تعداد ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای بود که در دو بخش مشخصات فردی و بخش اصلی، سؤال‌های پرسش‌نامه بین نمونه‌های پژوهش توزیع شدند. برای تعیین روایی ساختاری ابزار پژوهش، از روش تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش متعامد و برای تعیین روایی سازه پرسش‌نامه، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج نشان داد که مؤلفه اخلاق‌گرایی با سه مقوله احترام، مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، مؤلفه فرهنگ‌سازی با دو مقوله تعریف‌سازی و شرعی‌نگری، مؤلفه حقوقی با سه مقوله اقلیت‌سازی، شفافیت و تسریع و مؤلفه آموزش با سه مقوله عمومی، تخصصی و سازمانی، می‌توانند بیشترین تأثیر را در جذب خیران و واقفان داشته باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با دادن آموزش‌های عمومی و اختصاصی، علاوه بر جلب‌نظر خیران به ورزش، به توسعه کیفی اعمال خیریه ورزشی نیز کمک شود.

واژگان کلیدی: خیران، آموزش، حقوقی، ورزش، مشارکت

مقدمه

تصور جهانی که افرادی با رویکرد اومانیسم^۱ دارند، دشوار است؛ بنابراین، مخالفان چنین فلسفه‌ای متقاضی روزافزون کمک به جامعه هستند. در بیشتر جوامع، خیران به روش‌های مختلفی به کمک نیازمندان شتافته‌اند؛ به‌صورتی که برخی از مهم‌ترین دانشگاه‌ها در جهان مانند هاروارد و آکسفورد موقوفه هستند و همچنان از کمک‌های خیران بهره می‌برند (انور فزیع، ۱۳۸۶). در ایران نیز تا دوران قاجار، رغبت مردم و پادشاهان بیشتر بر ساخت مدارس علمیه بود و بعد از آشنایی با مدارس غربی، به ساخت مدارس به سبک غربی تمایل نشان داده شد؛ همان‌طور که مظفرالدین‌شاه یکی از معادن ایران را برای تأمین سوخت مدارس وقف کرد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۹). علاوه‌براین، همواره در جامعه اسلامی، فلسفه ترویج خیرات و نهاد وقف در اسلام به‌عنوان یک سنت حسنه، برای پرکردن خلأها و برطرف کردن نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مطرح بوده است (صدری و هندی‌زاده، ۱۳۹۳). هنوز تعریف دقیقی از خیرات و وقف وجود ندارد؛ اما، باوجود کاربرد بسیار عبارت «صدقه جاریه» در احادیث و به‌کارنبردن کلمه «وقف» در صدر اسلام، در بیان فقها کلمه وقف بر صدقه ترجیح داده شده و بر آن تأکید شده است (شیخ طوس، ابو جعفر و محمد بن حسن، ۱۴۱۱). تمام مذاهب اسلامی وقف را دارای چهار رکن صیغه، واقف، عین موقوفه و موقوف‌علیه دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۰۴)؛ اما، در فرهنگ عامه مردم، این فرهنگ به‌شکل مختصرتری نمود دارد؛ به‌صورتی که رضایی، صدی و آقا جانی (۱۳۹۲) به ضرورت بقای مال در وقف با استناد به منابع فقهی ایراد کرده‌اند و معتقد هستند که حتی وجه نقد نیز می‌تواند به‌عنوان وقف پذیرفته شود. درگذرمان، با توجه به نیازهای افراد و تغییرات اجتماعی در جهت رفع نیازهای جدید، وقف می‌تواند از باغ و اموال منقول مانند کتاب و ابزارهای کار به موارد دیگری تغییر کند که این موضوع، نیازمند ضرورت نگاه به خیران با رویکرد جدیدی است (صدری و همکاران، ۱۳۹۳)؛ برای‌این‌اساس، سازمانی با هدف وقف خیران در ایران تأسیس شده است که طبق ماده ۱۷۷ قانون وقف در برنامه پنج‌ساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، اداره اوقاف علاوه بر ثبت اموال منقول و غیرمنقول واقفان و خیران، به شناسایی دقیق آن‌ها نیز ملزم شده است (برنامه پنج‌ساله پنجم، ۱۳۸۹). به‌هرروی، خیران می‌توانند از راه‌های متفاوتی در طرح‌های توسعه‌ای مرتبط با جامعه یا شخصی مشارکت کنند که وقف، یکی از این موارد است. سنت حسنه وقف، همیشه از مؤثرترین راه‌های همیاری اقتصادی اهداف متعالی انسانی بوده است و علاوه‌براین، دربردارنده آثار مذهبی، فرهنگی و آموزشی است (صفایی‌پور، ۱۳۸۳). این رویکرد می‌تواند با سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه مرتبط با مشکلات جوامع محلی، به ارتقای امنیت، رشد اقتصادی، عدالت و انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی و در نتیجه، رفاه بیشتر جوامع منجر شود (جهانیان، ۱۳۸۹). افزون‌براین، یکی از

پدیده‌هایی که می‌تواند منجر به ارتقای عدالت اجتماعی، توسعه رفاه و مهم‌تر از همه، اشتغال‌زایی در کشورها شود، ورزش و توسعه آن است که به عقیده پژوهشگران، در حال حاضر، گردش مالی صنعت ورزش جهان با رشد فوق‌العاده‌ای در طول یک دهه و اشتغال هزاران نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به یکی از صنایع برتر تبدیل شده است (وستربیک و شیلبری^۱، ۲۰۰۳). امروزه، تلاش‌های زیادی انجام می‌شود تا ورزش و رویدادهای ورزشی نیز در حوزه دید خیران و واقفان قرار گیرند؛ حتی، اگر از محمل ورزش برای برآوردن نیازهای دیگر جامعه بهره برده شود (باینرز، براندون و آرمسترونک^۲، ۲۰۱۶). اینوی، هیفمن، یاماگوچی و فیلو^۳ (۲۰۱۷) ادعا کردند که تأثیرات اجتماعی ناشی از رویدادهای ورزشی که با حمایت خیران و امور خیریه پدید آمده‌اند، می‌تواند توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش هویت، غرور جمعی و درنهایت، ارتقای ورزش، سلامت و رفاه را به‌ارمغان آورد و این در صورتی است که گاهی ورزشکاران و افراد حاضر در فعالیتهای ورزشی که با حمایت خیران مطرح شده‌اند، هیچ‌گونه توجهی به نیت بانیان و واقفان آن ندارند و تمرکز اصلی آن‌ها فقط بر کیفیت ورزشی خود است (وان، پارک و لی^۴، ۲۰۱۳). وقف و مشارکت خیران در ورزش را می‌توان در بخش‌های مختلفی، همچون در قالب توسعه فضاهای ورزشی تفسیر کرد. در این راستا، حیدری‌فرد و شریفیان (۱۳۹۶) به موانع حضور خیران در توسعه فضاهای ورزشی پرداختند و موانع قانونی و اجرایی، اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی و مانع مربوط به خود ورزش را از موانع مشارکت خیران دانسته‌اند. اگر مشارکت خیران و واقفان را به بخش‌های متنوع‌تری مانند حمایت‌های اجتماعی و مشارکت‌های فکری و تخصصی آن‌ها بسط دهیم، می‌توان گستره وسیع‌تری را در این حوزه بررسی کرد؛ از جمله داوطلبان ورزشی که رویکردی خیرگونه دارند و موتور محرکه بسیاری از رویدادهای ورزشی هستند (افروزه، ۱۳۸۶). یکی از ظرفیتهای مشارکت مردم در توسعه ورزش همگانی و حتی قهرمانی، می‌تواند استفاده از داوطلبان ورزشی به‌عنوان نیروهای متخصص یا غیرمتخصص باشد و خیران طیف دیگر را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، با وجود ظرفیتهای فراوان صنعت ورزش در بسیاری از جوامع، همچنان نیاز به مشارکت مردم در این روند احساس می‌شود. کوانگ^۵ (۲۰۰۷) در پژوهش خود در زمینه خیریه‌های ورزشی، مؤلفه‌های عشق و احترام را مطرح کرده و تأکید کرده است که در توسعه خیریه‌ها، فقط ساختارها نباید مورد تأکید باشند؛ بلکه، مؤلفه‌های روانی را نیز می‌توان نقطه قوتی برای این امر دانست؛ بنابراین، به عقیده وی، جذب خیران باید با تأکید اساسی بر عوامل انسانی و روانی همراه باشد. شعبانی (۱۳۹۳)

-
1. Westerbeek & Shilbury
 2. Bunds, Brandon-Lai & Armstrong
 3. Inoue, Heffernan, Yamaguchi & Filo
 4. Won, Park & Lee
 5. Qiang

در تبیین مدل نوع‌دوستی خیران، به عوامل اخلاق فطری، توحیدی و خودگرایی اشاره کرده است؛ البته، وی نوع‌دوستی خیران را تابعی از ارزش‌های درونی و بیرونی آنان ذکر کرده است. میرهاشمی و سرهنگیان (۱۳۹۳) دو گام مهم برای تحقق وقف در راستای تجاری‌سازی دانش و فناوری را فرهنگ‌سازی و تهیه الگوها و پیشنهادهایی در قالب وقفنامه‌های دردسترس می‌دانند. در امور وقف و خیریه، آن‌ها ساختار قانونمندی را ارجح می‌دانند. در همین راستا، به عقیده‌ی دوری (۱۳۸۵)، یکی از موانع حضورنداشتن خیران در طرح‌های موردنیاز جامعه را می‌توان نبود برنامه‌ریزی منسجم نهادهای مربوط بیان کرد. همچنین، امینیان (۱۳۹۲) یکی از راهکارهای بهبود وضعیت حضور خیران از طریق وقف را استفاده از برنامه‌های خیران برای ساخت یا اجاره می‌داند و اگر آنان برنامه و راهبردی را در این زمینه مشخص نکردند، اطلاع‌رسانی متولیان به خیران می‌داند. از آنجاکه در حوزه خیریه، رویدادهای ورزشی خیریه را می‌توانند فعال باشند، برخی پژوهشگران به بررسی این رویدادها پرداختند. چو، لی و وان^۱ (۲۰۱۶) نشان دادند که سازمان‌های خیریه که با انواع انگیزه‌ها در این راه قدم گذاشته‌اند، کمتر دارای انگیزه‌های بشردوستانه و تعامل اجتماعی بوده‌اند؛ در حالی که بایندز و همکاران (۲۰۱۶) در مشارکت مردم و توجه آن‌ها به حمایت از فعالیت‌های ورزشی، انگیزه‌های بشردوستانه، مذهبی و درونی را تأیید کرده‌اند. پژوهشگرانی نیز به ارتباطات اجتماعی اشاره کرده‌اند؛ فیلو و همکاران^۲ (۲۰۱۳) شش ویژگی ساختاری و فرهنگی را در مشارکت‌کنندگان رویدادهای خیریه ورزشی بررسی کردند که شامل روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، مراسم آیینی، اندازه گروه، همدردی با دیگران و اعتقادات مشترک بود و بیان کردند در صورتی که این موارد و اهداف به‌خوبی رعایت نشوند، خیریه از هدف تغییرات جامعه محروم می‌شود. همچنین، لویانو و زوتوس^۳ (۲۰۱۴) بر لزوم قانونمندی و ضابطه‌مند کردن هدایا و کمک‌های نقدی و غیرنقدی به ورزش یا رویدادهای ورزشی اشاره کرده‌اند. در همین راستا است که امروزه، سازمان‌های خیریه ورزشی روبه‌گسترش هستند؛ به‌صورتی که این مؤسسات توانسته‌اند بسیاری از انگیزه‌های خیرانه و واقفانه را به‌خود جلب کنند. هر چند باید اشاره کرد که این مؤسسات بیشتر در کشورهای پیشرفته با سطح آگاهی بالای شهروندان مورد توجه هستند. مطالعات ژانگ و هو^۴ (۲۰۱۶) در چین نشان داد که تقویت آگاهی شهروندان، کارآمدتر از استفاده از اقدامات تشویقی در ارتقای سطح توسعه خیریه ورزشی است؛ البته، باید در نظر داشت که طیف گسترده خیریه که با اهداف مختلف شروع می‌شود، بخشی از مسئولیت اجتماعی در ورزش است (افروزه، مظفری، آقای و صفاری، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، خیریه فرایندی یک‌طرفه نیست و می‌تواند با

1. Chiu, Lee & Won

2. Filo

3. Lopiano & Zotos

4. Zhang & Hu

تعامل جامعه، دستگاه‌ها و مردم هم‌زمان باشد. در واقع، افراد، سازمان‌ها و حتی ورزشکاران به خیریه یا وقف این امکان را می‌دهند که تعهد خود را به اجتماع نشان دهند (اروین، ساتون و مک کارتی^۱، ۲۰۰۲) و گاهی نیز از این طریق است که به کسب منافع مالیاتی نائل می‌شوند (برایلی و مک لین^۲، ۲۰۰۱). همچنین، بدیهی است که مشارکت افراد جامعه در ورزش به روش‌های گوناگون می‌تواند مسیر ارتقای ورزش همگانی و قهرمانی را هموار کند. کشور ایران با داشتن سابقه دیرینه در حوزه وقف و خیریه در بیشتر حوزه‌های اجتماعی از جمله خیران سلامت و مدرسه‌ساز، به صورت سازمان‌دهی شده‌ای موفق عمل کرده است؛ اما، در حوزه ورزش نتوانسته است به این عمل‌گرایی دست یابد. در این راستا و در مسیر نظریه‌پردازی درباره این فرایند، میل به وقف و خیریه در ورزش و ارتقای آن، باید از فردمحوری و گزینه‌کاری به گروه‌محوری و اولویت در برنامه‌سازی در نهاد ورزش حرکت کند؛ بنابراین، نخستین گام شناسایی اقدامات اولیه تشویقی و زیرساختی برای هموار کردن حضور خیران و واقفان است؛ اما، پژوهشگران تاکنون نتوانسته‌اند رویکرد واحدی را برای عملی کردن این استعداد بالقوه ارائه دهند. علاوه بر این، باید اذعان کرد که این سیاست‌ها در کشور مذهبی و ایدئولوژیک‌محور مانند ایران، باید خاص‌تر از مناطق مختلف جهان باشد که این مورد، ضرورت انجام پژوهش‌های گسترده‌تری را نشان می‌دهد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که برای توسعه ورزش کشور و استفاده از این ظرفیت، چه مؤلفه‌هایی را باید در نظر گرفت؟ این پژوهش، به دنبال شناسایی این مؤلفه‌ها با هدف ترویج هرچه بهتر مشارکت خیران و واقفان در ورزش است که بتوانند با ارائه پیشنهاد‌های واقعی و راهکارهای سازنده، علاوه بر حضور و نظارت مردم در ورزش به کاهش هزینه‌های مادی و سیاسی ورزش دولتی کمک کنند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع آمیخته است که خیران، واقفان، مدیران و کارشناسان ورزشی، مدیران و کارشناسان اداره‌های حج و اوقاف و اعضای هیئت علمی علوم ورزشی، جامعه آماری را تشکیل دادند. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و دردسترس، تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای بود که بر مبنای پیشینه پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان، مدیران و نیز خیران و واقفان استان فارس که در زمینه مشارکت در ورزش فعال هستند، فهرستی از مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با عوامل جذب و نگهداری خیران و واقفان تهیه شد. سپس، مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری شامل کدگذاری باز و کدگذاری

1. Irwin, Sutton & McCarthy

2. Brayley & McLean

محوری تحلیل شدند. در کدگذاری باز، مصاحبه‌ها که ضبط و یادداشت‌برداری شده بودند، در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحلیل شدند و تعداد ۲۷ کد استخراج شد. در ادامه، با استفاده از کدگذاری محوری، داده‌های حاصل از کدگذاری باز تحلیل شدند و در این بین، برخی کدها به عللی مانند شباهت‌های مفهومی حذف شدند و ۲۳ کد باقی‌مانده در چهار محور تقسیم‌بندی گردیدند. پس از استخراج آیتم‌ها با استفاده از روش دلفی^۱، چهار مؤلفه اخلاق‌گرایی، فرهنگ‌سازی، مسائل حقوقی و آموزشی تأیید شدند. در نهایت و پس از انجام اصلاحات و تأیید پرسش‌نامه، توزیع و جمع‌آوری، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۲ برای تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد تا عوامل به صورت دقیق تعیین شوند. پس از تعیین دقیق عوامل، پایایی ابعاد از طریق آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد. در مرحله بعد، برای برآورد روایی سازه از تحلیل عاملی مرتبه اول در نرم‌افزار لیزرل^۳ استفاده شد. در این مرحله، توانایی تبیین عوامل از طریق سؤال‌ها سنجیده شد. در مرحله آخر نیز برای شناسایی عوامل اثرگذار بر جذب خیران در ورزش، تحلیل عاملی مرتبه دوم به کار گرفته شد. در پایان، برای خلاصه‌سازی کیفی و گزینشی، مؤلفه‌ها به مقوله‌های متناسب با پژوهش تقسیم‌بندی شدند که در نهایت، گویه‌ها در چهار مؤلفه شامل اخلاق‌گرایی با سه مقوله احترام، مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازی با دو مقوله تعریف‌سازی و شرعی‌نگری، حقوقی با سه مقوله اقلیت‌سازی، شفافیت و تسریع و آموزش با سه مقوله عمومی، تخصصی و سازمانی طبقه‌بندی شدند.

نتایج

بر اساس اطلاعات جمعیت‌شناختی، تعداد کل نمونه ۱۵۰ نفر بود که تعداد ۳۹ نفر را (۲۶ درصد) زنان و ۱۱۱ نفر را (۷۴ درصد) مردان تشکیل دادند. طبق متغیر میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان، ۱۷ درصد دارای مدرک دکتری، ۲۷ درصد کارشناسی‌ارشد، ۴۷ درصد کارشناسی و نه درصد دیپلم و زیردیپلم بودند. دوازده درصد از پاسخ‌گویان را اعضای هیئت‌علمی، حدود ۳۵ درصد خیران و واقفان و بقیه را کارشناسان ورزشی و اوقاف تشکیل دادند.

قبل از انتخاب آزمون‌های آماری و نرم‌افزار تحلیل داده‌ها، با بررسی چولگی و کشیدگی مشخص شد که داده‌ها از توزیع طبیعی برخوردار هستند و می‌توان از آزمون‌های پارامتری استفاده کرد. همچنین، برای اطمینان از کفایت نمونه‌ها از آزمون بارتلت^۴ استفاده شد.

-
1. Delphi
 2. Statistical Package for Social Science
 3. LISREL
 4. Bartlett

با توجه به جدول شماره یک، حجم نمونه‌ها برای تعمیم نتایج به جامعه کفایت می‌کند ($KMO \geq 0/6$). همچنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان از تحلیل عاملی استفاده کرد.

جدول ۱- بررسی کفایت نمونه

شاخص کفایت نمونه و بارتلت	نتایج
شاخص کفایت نمونه	۰/۶۱۵
نیکویی برازش	۳۱۷۰/۱۵۹
درجه آزادی	۶۶۶
معناداری	۰/۰۰۱

در ادامه، برای تعیین عوامل از تحلیل اکتشافی با چرخش واریمکس‌ها استفاده شد. برپایه ملاک کیسر، عواملی که دارای ارزش ویژه بیشتر از یک هستند، می‌توانند به عنوان عامل استخراج شوند. با توجه به پیشینه پژوهش، چهار عامل در نظر گرفته شد که این عامل‌ها ۵۷/۱۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند که ۳۱/۶۰ درصد توسط عامل اول، ۱۰/۷۱ درصد توسط عامل دوم، ۸/۳۶ درصد توسط عامل سوم و ۶/۵۱ درصد توسط عامل چهارم تبیین شدند. برای شناسایی سؤال‌های مربوط به هر بعد، از چرخش واریمکس استفاده شد. در جدول شماره دو، بارهای عاملی پس از چرخش واریمکس مشخص شده‌اند.

جدول ۲- تحلیل اکتشافی با استفاده از چرخش واریمکس

سؤال‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
آموزش تأثیرات ورزش بر جامعه برای خیران ارائه شود.	۰/۳۸۶			
مسائل شرعی وقف و خیرات آموزش داده شود.	۰/۷۱۹			
نتایج کار خیران ورزشی برای آن‌ها گزارش شود.	۰/۴۷۹			
آموزش‌های حقوقی به خیران و واقفان داده شود.	۰/۶۴۶			
روش‌های همکاری با خیران و واقفان ورزشی به کارشناسان و مدیران آموزش داده شود.	۰/۶۰۵			
اهداف وقف و خیرات به صورت روشن در اختیار مردم باشد.	۰/۶۰۹			
تعریف‌های جدید از خیریه و وقف‌های متنوع ورزشی ارائه شود.	۰/۷۷۹			
انواع خیرات و وقف در ورزش ترویج شود.	۰/۷۴۷			
برکات و ثواب دنیوی و اخروی وقف و خیرات ترویج شود.	۰/۷۲۱			
تعهدات مدنی و حقوقی مختصر و مفید تنظیم شود.	۰/۷۸۳			
خیران، از نظر مذهبی مورد مؤاخذه نباشند.	۰/۵۸۸			
استعلام از شفافیت‌های مالی خیران و واقفان ورزشی	۰/۵۷۳			
تعهد به استفاده از پول پاک در امور ورزش	۰/۵۱۴			
حسابداری مالی مورد اطمینان در کنار خیران قرار گیرد.	۰/۶۹۹			

ادامه جدول ۲- تحلیل اکتشافی با استفاده از چرخش واریمکس

سؤالها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
تسریع در ثبت و پیگیری شکایات خیران و واقفان			۰/۸۱۱	
جذب خیران براساس عدالت باشد.			۰/۶۸۲	
پاسخ گویی مداوم به خیران و واقفان صورت گیرد.			۰/۵۵۸	
خیران به صورت مستمر در جریان استفاده از منابع قرار گیرند.			۰/۴۴۱	
گزارش های ماهانه پیشرفت ها به خیران و واقفان ارائه شود.			۰/۳۳۹	
احترام به تصمیمات ناگهانی خیران و واقفان			۰/۵۸۹	
بازبودن مدت همکاری و نوع همکاری خیران و واقفان ورزشی			۰/۸۱۶	
وجود بانک اطلاعاتی خیران محلی و ملی با نوع سلايق			۰/۵۸۲	
دعوت به مشاوره خیران و واقفان ورزشی از افراد محلی و مهاجران			۰/۷۳۵	

انطباق سؤالها با عوامل از پیش در نظر گرفته شده نشان داد که عامل نخست را می توان عامل آموزش، عامل دوم را عامل فرهنگ سازی، عامل سوم را عامل حقوقی و عامل چهارم را اخلاق گرایی نام گذاری کرد.

در مرحله بعد، برای تأیید پایایی سؤالها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که همه عوامل از آلفای کرونباخ قابل قبولی برخوردار بودند که در جدول شماره سه ارائه شده است.

جدول ۳- بررسی وضعیت پایایی عوامل

آموزش	فرهنگ سازی	حقوقی	اخلاق گرایی	کل
۰/۷۵	۰/۸۴	۰/۸۰	۰/۷۷	۰/۸۹

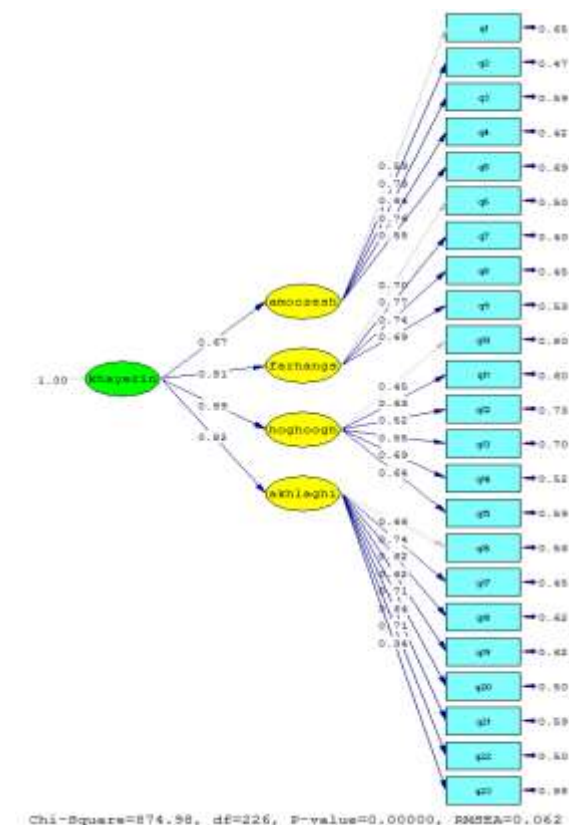
برای تحلیل عاملی مرتبه اول پرسش نامه، ابتدا هر مؤلفه با عامل مربوط به خود بررسی شد. در مدل استاندارد، میزان روابط بین سازه و بعد و نیز بعد و شاخص نشان داده می شود. در صورتی که رابطه بیشتر از ۰/۳ باشد، می توان گفت که سؤالهای مورد نظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند. در جدول شماره چهار، در هر سؤال مقدار بار عاملی و تی نشان داده شده است.

با توجه به جدول شماره (۴)، مقدار تی تمام سؤالها بیشتر از ۱/۹۶ است. همچنین، بارهای عاملی سؤالها نیز بیشتر از ۰/۳ است که نشان دهنده تبیین صحیح ابعاد توسط سؤالها است؛ بنابراین، تمام سؤالها تأیید می شوند.

جدول ۴- بررسی مقدار بار عاملی سؤال‌ها

ردیف	سوال	مقدار تی	بار عاملی	نتیجه
۱	Q1	۷/۳۴	۰/۶۰	تأیید
۲	Q2	۹/۳۷	۰/۷۳	تأیید
۳	Q3	۷/۲۲	۱/۶۵	تأیید
۴	Q4	۹/۸۷	۰/۷۵	تأیید
۵	Q5	۶/۷۲	۰/۵۵	تأیید
۶	Q6	۹/۱۹	۰/۷۱	تأیید
۷	Q7	۱۰/۳۲	۰/۷۶	تأیید
۸	Q8	۹/۷۱	۰/۷۴	تأیید
۹	Q9	۹/۰۸	۰/۷۰	تأیید
۱۰	Q10	۴/۱۰	۰/۳۵	تأیید
۱۱	Q11	۶/۷۶	۰/۵۵	تأیید
۱۲	Q12	۵/۲۷	۰/۴۴	تأیید
۱۳	Q13	۵/۶۲	۰/۴۷	تأیید
۱۴	Q14	۱۰/۱۰	۰/۷۶	تأیید
۱۵	Q15	۹/۳۴	۰/۷۲	تأیید
۱۶	Q16	۶/۸۶	۰/۶۷	تأیید
۱۷	Q17	۱۰/۱۲	۰/۷۴	تأیید
۱۸	Q18	۷/۸۹	۰/۶۱	تأیید
۱۹	Q19	۷/۹۶	۰/۶۲	تأیید
۲۰	Q20	۹/۵۸	۰/۷۱	تأیید
۲۱	Q21	۸/۱۹	۰/۶۳	تأیید
۲۲	Q22	۹/۳۵	۰/۷۰	تأیید
۲۳	Q23	۴/۰۳	۰/۳۴	تأیید

در مرحله بعد، برای شناسایی عوامل و تأثیر آن بر جذب خیران ورزشی، از تحلیل عاملی مرتبه دوم در نرم‌افزار لیزرل استفاده شد (شکل شماره یک).



شکل ۱- تحلیل عاملی مرتبه دوم

تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان داد که هر چهار عامل آموزش، فرهنگ‌سازی، حقوقی و اخلاق‌گرایی، بر جذب خیران ورزشی تأثیرگذار هستند. در جدول شماره پنج، مقدار تی و ضریب مسیر عوامل آورده شده است.

جدول ۵- مقدار تی و ضریب مسیر عوامل مؤثر بر جذب خیران

عوامل	آموزش	فرهنگ‌سازی	حقوقی	اخلاق‌گرایی
مقدار تی	۵/۵۶	۷/۴۸	۴/۹۷	۷/۲۷
ضریب مسیر	۰/۶۷	۰/۸۱	۰/۸۹	۰/۸۲
نتیجه	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید

در آزمون نیکویی برازش، تناسب مجموعه داده‌ها بررسی می‌شود که با توجه به جدول شماره شش، نسبت خی دو به درجه آزادی، برابر با $3/87$ و ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین^۱ برابر با $0/062$ است. همچنین، دیگر شاخص‌های موجود برازش مدل را تأیید کردند؛ بنابراین، مدل اندازه‌گیری پژوهش به لحاظ شاخص‌های برازش مناسب است و تمامی عامل‌های مطرح شده می‌توانند در مدل مجتمع شوند. همچنین، مدل می‌تواند به جامعه تعمیم یابد.

جدول ۶- آزمون نیکویی برازش برای شناسایی تناسب داده‌ها

مقادیر	شاخص
۰/۰۶۲	ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین
۳/۸۷	خی دو به درجه آزادی
۰/۸۳	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده
۰/۹۲	شاخص نیکویی برازش
۰/۹۳	شاخص برازش فزاینده

در ادامه، با استفاده از روش کیفی، مؤلفه‌ها و سؤال‌های شناسایی و تأییدشده به مقوله‌هایی تقسیم‌بندی شدند که در جدول شماره هفت نشان داده شده است.

جدول ۷- کدگذاری گزینشی و مقوله‌بندی داده‌ها

مؤلفه	مقوله	کدها
آموزش	عمومی	آموزش تأثیرات ورزش بر جامعه برای خیران ارائه شود. مسائل شرعی وقف و خیرات آموزش داده شود.
	تخصصی	نتایج کار خیران ورزشی برای آن‌ها گزارش شود. آموزش‌های حقوقی به خیران و واقفان داده شود.
	سازمانی	روش‌های همکاری با خیران و واقفان ورزشی به کارشناسان و مدیران آموزش داده شود.
فرهنگ	تعریف	اهداف وقف و خیرات به صورت روشن در اختیار مردم باشد.
	سازي	تعریف‌های جدیدی از خیریه و وقف‌های متنوع ورزشی ارائه شود.
سازي	شرعی	انواع خیرات و وقف در ورزش ترویج شود.
	نگری	برکات و ثواب دنیوی و اخروی وقف و خیرات ترویج شود.

1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

ادامه جدول ۷- کدگذاری گزینشی و مقوله‌بندی داده‌ها

مؤلفه	مقوله	کدها
حقوقی	اقلیت	تعهدات مدنی و حقوقی مختصر و مفید تنظیم شود. خیران از نظر مذهبی مورد مؤاخذه نباشند.
	شفافیت	استعلام از شفافیت‌های مالی خیران و واقفان ورزشی تعهد به استفاده از پول پاک در امور ورزش حسابداری مالی مورد اطمینان در کنار خیران قرار گیرد.
	تسریع	تسریع در ثبت و پیگیری شکایات خیران و واقفان جذب خیران بر اساس عدالت باشد.
اخلاق	مسئولیت	پاسخ‌گویی مداوم به خیران و واقفان صورت گیرد.
	اجتماعی	خیران به صورت مستمر در جریان استفاده از منابع قرار گیرند. گزارش‌های ماهانه پیشرفت‌ها به خیران و واقفان ارائه شود.
گرای	احترام	احترام به تصمیمات ناگهانی خیران و واقفان بازبودن مدت همکاری و نوع همکاری خیران و واقفان ورزشی
	سرمایه	وجود بانک اطلاعاتی خیران محلی و ملی با نوع سلايق
	اجتماعی	دعوت به مشاوره خیران و واقفان ورزشی از افراد محلی و مهاجران

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که هر چهار مؤلفه اخلاق‌گرایی، فرهنگ‌سازی، توجه به مسائل حقوقی و آموزشی، می‌توانند مؤلفه‌های مؤثری برای جذب خیران و واقفان در حوزه ورزش باشند.

مؤلفه اخلاق‌گرایی در بردارنده سه مقوله احترام، مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بود که می‌توان از مقوله احترام به عنوان مقوله‌ای یاد کرد که با نتایج کوانگ (۲۰۰۷) هم‌خوانی دارد. وی عشق و احترام را در جذب خیران مهم‌تر از مسائل دیگر مطرح کرده است. به نظر می‌رسد که در واقع، او دو موضوع درونی و بیرونی را بیان کرده است که عشق خیران و واقفان به این کار و نیز احترامی است که جامعه برای چنین افراد و کارهایی قائل می‌شود. افزون‌براین، فیلو و همکاران (۲۰۱۴) همدردی اجتماع را که نمونه‌ای از عشق اجتماعی است، موجب تشویق خیران دانسته است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مدیران از اصل احترام به واقفان و خیران در هر سطح مشارکتی غافل نشوند و در جذب آنان به این عامل درونی تأکید کنند. احترام به فرد و خانواده خیران و عشقی که آن‌ها به این موضوع دارند، می‌تواند با تجلیل از خیران و یا تسریع در امور قانونی، نمود داشته باشد؛ البته، زمانی احترام روی خواهد داد که طرف‌های افراد خیر مشخص باشند و آن‌ها با افراد مشخصی کار کنند که این امر لزوم وجود انجمن‌های خیریه ورزشی محلی را در ایران دوچندان می‌کند.

مقوله دیگر، مسئولیت اجتماعی بود که با نتایج مطالعه افروزه و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی ندارد؛ زیرا، وی خیریه را زیرمجموعه مسئولیت اجتماعی قلمداد می‌کند و در پژوهش خود، خیریه را به‌عنوان مفهومی که مسئولیت اجتماعی در دل خود دارد، مطرح کرده است. این نتایج با مطالعات برابلی و مک‌لین (۲۰۰۱) و اروین و همکاران (۲۰۰۲) نیز هم‌خوانی ندارد و آنان نیز خیریه را راهی برای انجام مسئولیت اجتماعی می‌دانند. باین‌وجود، ترویج مسئولیت اجتماعی از طریق بازیکنان مشهور فوتبال مانند مسی، رونالدو و بکهام مشهود است که در امور خیریه فعالیت‌های مستمری دارند و در این راستا تلاش می‌کنند. همچنین، در حوزه فوتبال حرفه‌ای می‌توان به توسعه روزافزون بنیادهای خیریه بازیکنان مطرح فوتبال اشاره کرد (کوت^۱، ۲۰۰۵)؛ بنابراین، ترویج ملی خیریه در ورزش، می‌تواند خود نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود که باز سودی دوطرفه است که به عقیده مارگولیس و والش^۲ (۲۰۰۳)، مسئولیت اجتماعی نیز تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها و جامعه دارد. هرچند به‌نظر لاجوتز و گالدن^۳ (۲۰۰۳) و مک‌گیور، داو و آرچید^۴ (۲۰۰۳)، این ارتباط با جامعه است که در نهایت منجر به فزونی در خروجی‌ها می‌شود و افراد را مجاب به انجام مسئولیت اجتماعی می‌کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با مشارکت نهاد ترویج مسئولیت شرکتی، به توسعه حوزه ورزش نیز همت گمارده شود.

استفاده مناسب از سرمایه‌های اجتماعی، از دیگر نتایج این پژوهش بود. جهانیان (۱۳۸۹) نیز به توسعه سرمایه‌های اجتماعی دوسویه میان خیران و جامعه اشاره کرده است که نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه وی هم‌خوانی دارد. اینوی و همکاران (۲۰۱۷) نیز از خیریه در راستای توسعه سرمایه‌های اجتماعی نام برده‌اند؛ بنابراین، مشارکت در امور خیریه می‌تواند سرمایه‌های اجتماعی را توسعه دهد؛ اما رویکرد اساسی در این مقاله توجه به سرمایه‌های اجتماعی بالقوه در جوامع محلی بود. شاید این نتیجه جوامع را به ترغیب نهادهای خیریه در شناسایی سرمایه‌های پیرامون رهنمون سازد که در مواقع موردنیاز، شانس جامعه را برای بهره‌بردن از آنان افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود که سامانه‌های جذب سرمایه‌های فکری در ورزش به‌صورت خیریه و جهادی راه‌اندازی شوند تا با توجه به نیازهای جوامع محلی از این استعدادها نهایت بهره‌برداری شود.

مؤلفه بعدی برای مدیریت جذب خیران و واقفان ورزشی، فرهنگ‌سازی بود که با نتایج میره‌اشمی و سرهنگیان (۱۳۹۳) و فیلو و همکاران (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. این مؤلفه که دو مقوله تعریف‌سازی و شرعی‌نگری را در خود دارد، به یکی از معضلات ترویج پدیده خیریه و وقف در حوزه‌های مختلف اشاره

-
1. Kott
 2. Margolis & Walsh
 3. Lachowitz & Gladden
 4. McGuire, Dow & Archgeyd

دارد. اگر در فرهنگ عموم ایران، ساخت، بیشتر به خیران نسبت داده می‌شود (غفوری روزبهانی، ۱۳۹۰)، وجود تعاریف صحیح‌تر و جامع‌تر می‌توانند گستره بیشتری از افراد را زیر چتر خود درآورند. در این راستا، صدری و همکاران (۱۳۹۳) نیز به ضرورت تغییر نگاه به مقوله وقف و خیریه اشاره کرده‌اند که آن را فراتر از ساخت‌وساز معرفی می‌کند. با توجه به نتایج، ورزش می‌تواند منبع انگیزشی مناسبی برای بسیاری از خیران و واقفان باشد؛ همان‌طور که در حوزه سلامت با ترویج همگانی نتایج مثبتی به دست آمده است؛ البته، همگام با ارائه تعریف جامع، باید مسائل شرعی و اجر اخروی نیز که برای بسیاری از واقفان و خیران مذهبی اهمیت دارد، در نظر گرفته شود. افرادی مانند الدوری (۱۳۸۵) کتاب‌ها و مقالات زیادی را در حوزه وقف به رشته تحریر درآورده‌اند؛ اما، معمولاً در حوزه ورزش آثار کمتری نوشته شده‌اند که این مورد از وظایف اساتید ورزش و مدیران با همکاری سازمان‌های خیریه و اوقاف است. همچنین، از آنجاکه صداوسیما بر لزوم فرهنگ‌سازی‌های منطبق بر مسائل شرعی تأکید دارد، وزارت ورزش می‌تواند از این طریق فراخوان‌های هنری ورزش و خیریه ارائه کند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود که افراد شاخص خیر و واقف در حوزه ورزش، به‌عنوان سفیر با شرح وظایف خاص به جامعه معرفی شوند.

مؤلفه بعدی، مسائل حقوقی و قانونی بود که شامل سه مقوله اقلیت‌سازی، شفافیت و تسریع است. اقلیت‌سازی با دو مفهوم قانون‌گذاری برای توده‌ها و اقلیت‌های خاص دارای مذاهب مختلف و نیز ساده و مختصرسازی قانون همه‌فهم در نظر گرفته شد که با نتایج ژانگ و هو (۲۰۱۶) هم‌خوانی دارد که آگاهی خیران را در اولویت قرار می‌دهد. ارائه قوانین متناسب با اهداف خیران واقعی و متقاضی در حوزه ورزش، شامل ساخت، توسعه، داوطلبی، حمایت مالی، حمایت معنوی و بسیاری از موارد دیگر می‌تواند آنان را در این راه بیشتر ترغیب کند؛ اما دو مقوله شفافیت و تسریع را می‌توان مکمل یکدیگر دانست؛ به‌صورتی که شفافیت قوانین منجر به آگاهی می‌شود و در نتیجه، باعث کمک به تسریع‌سازی قوانین در حوزه خیران و واقفان ورزشی می‌گردد. در همین راستا، حیدری‌فرد و شریفیان (۱۳۹۵) نیز به مقوله وضع قوانین و لزوماً شفافیت آن در حوزه خیریه در ورزش اشاره داشته‌اند که می‌تواند منجر به ترغیب خیران ورزشی شود. ثبت هدایا و میزان مشارکت‌های نقدی و غیرنقدی واقفان و خیران از الزامات این حوزه است (لوپاینو و زوتوس، ۲۰۱۴). پیشنهاد می‌شود که اوقاف و امور خیریه در اقدامی هماهنگ با اداره‌های ورزش و جوانان، به مسائل حقوقی رسیدگی کنند و فرایندهای قانونی شامل نوع هدایا، میزان، زمان بهره‌برداری و مالکیت‌ها در معرض افکار عموم قرار گیرند.

آخرین مؤلفه برای جذب خیران، آموزش با سه مقوله عمومی، تخصصی و سازمانی بود. همان‌طور که می‌دانیم، آموزش محور توسعه است و شامل یادگیری برای دانستن، انجام‌دادن، زیستن و باهم‌دیگر بودن است و این حق عمومی در اسناد بین‌المللی نیز مورد حمایت جهانی قرار گرفته و تأکید

بسیار زیادی بر آن شده است؛ از جمله این اسناد، ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک هستند (کنوانسیون حقوق کودک یونسکو، ۱۹۸۹)؛ بنابراین، در ورزش می‌تواند به مقوله آموزش با توجه به ارکان ویژه توجه شود که خیریه از آن جمله است. والتر و تاکن^۱ (۲۰۱۱) نیز یکی از مهم‌ترین وظیفه هر فدراسیون ورزشی را آموزش کارکنان دانستند که می‌تواند از طرق مختلفی انجام شود؛ بنابراین، آموزش می‌تواند به صورت عمومی با همکاری اتاق فکر کمپین‌ها و انجمن‌های محلی یا ملی با دغدغه ورزش انجام شود؛ اما، نکته‌ای که از آن غفلت شده است، آموزش درون‌سازمانی است که می‌تواند تمام مؤلفه‌های قبل را به مدیران، مبلغان خیران و واقفان ورزشی آموزش دهد. در مجموع، در صورتی که تمامی این مؤلفه‌ها بتوانند به صورت مؤثری در قالب انجمن‌های غیردولتی و سپس، اداره‌های ورزش و جوانان و اداره‌های اوقاف و امور خیریه به همگرایی برسند، می‌توان به موفقیت آن‌ها امید بست. پیشنهاد می‌شود که ابتدا از طرف اداره‌های کل هر استان، کارگروه ویژه‌ای به هماهنگی با انجمن‌های خیریه و سپس، ترویج فرهنگ از طریق انجمن‌های محلی ورزشی بپردازد. بیشتر خیران علاقه‌مند هستند که به جامعه محلی کمک کنند؛ بنابراین، آموزش این انجمن‌های محلی از طریق کارگروه‌ها و اداره‌های اوقاف و امور خیریه در دوره‌های کوتاه‌مدت مؤثر خواهد بود. در این راستا، این شکل‌ها باید بتوانند در ادامه راه همانند سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی در ورزش رفتار کنند. در این صورت، تمام مؤلفه‌های شناسایی شده در این مسیر قابلیت اجرایی بهتر و متقن‌تری خواهند یافت که به تعامل جامعه و ورزش کمک خواهند کرد و خیران و واقفان بیشتری را در این حوزه فعال می‌کنند.

پیام مقاله: خیریه و وقف سنت حسنه‌ای است که در ایران سال‌ها است که با هدف رونق جامعه ترویج می‌شود؛ اما، رویکرد ورزشی آن نیز با کمک روش‌های مبتنی بر آموزش عمومی و اختصاصی که در این مقاله شناسایی شد، می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد.

منابع

1. Afroozeh, M. S. (2007). Volunteers of sport in university sport. (Unpublished Master's thesis). Urmia University, Iran. (Persian).
2. Afroozeh, M. S., Mozaffari, S. A., Njaf Aghaee, A., & Saffari, M. (2016). Identify domains and factors affecting on social responsibility of professional football clubs Iran. *Sport Management and Development*, 5(2). 69-89. (Persian).
3. Al-Douri, A. A. (2006). The Historical sphere of endowment in Islamic societies, *Hossein Islamic. Javidan's Legacy*, 55(3), 6-24. (Persian).
4. Aminian, M. (2013). *Endowed in terms of rights and laws*. Tehran: SAMT Publication. (Persian).

5. Brayley, R. E., & McLean, D. D. (2001). Managing financial resources in sport and leisure service organizations. Champaign, IL: Sagamore
6. Bunds, K., Brandon-Lai, S., & Armstrong, C. (2016). An inductive investigation of participants' attachment to charity sports events: The case of team water charity. *European Sport Management Quarterly*, 16(3), 364-83.
7. Chiu, W., Lee, Y. J., & Won, D. (2016). Bifactor analysis of motivation for charity sport event participation. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 13(1), 1-13.
8. Davari, A., & Rezazadeh, A. (2013). Structural equation modeling with PLS. Publishing House Jihad University: Jahad University Publication Organization. (Persian).
9. Fasia, A. (2007). Endowed structure in the Muslim world. (S. Ebadi, translator). Tehran: Osveh, Civil law. (Persian).
10. Filo, K., Spence, K., & Sparvero, E. (2013). Exploring the properties of community among charity sport event participants. *Managing Leisure*, 18(3), 194-212.
11. Ghafouri Rozbahani, N. (2011). The role of the waqf in the country's economic development. *Javidan's legacy*, 6(1), 76-8. (Persian).
12. Heydarifard, S. F., & Sharifian, E. (2017). Identification and comparison of barriers to Donor's contributions to development of sport facility. *Sport Management Studies*, 9(41), 81-96. (Persian).
13. Inoue, Y., Heffernan, C., Yamaguchi, T. & Filo, K. (2017). Social and charitable impacts of a charity-affiliated sport event: A mixed methods study. *Sport Management Review*, 21(2), 202-18.
14. Irwin, R., Sutton, W., & McCarthy, L. (2002). Sport promotion and sales management. *Human Kinetics*, Second Edition, Champaign
15. Jahaniyan, N. (2010). The legal jurisprudence of the endowment. *Islamic Economics*, 10(32), 5-32. (Persian)
16. Kott, A. (2005). The philanthropic power of sport. *Foundation News and Commentary*, 4, 20-5.
17. Lachowetz, T., & Gladden, J. (2003). A framework for understanding cause-related sport marketing programs. *International Journal of Sports Marketing & Sponsorship*, 4(4), 313-33.
18. Lopiano, D., & Zotos, C. (2014). The athletic directors' desk reference. Champaign, IL: Human Kinetics.
19. Mahdih Rezaei; Mohammad Sadri; Mohammad Reza Aghajani Ghannad. (2014). Waqf (Mortmain) of money. *Jurisprudence and the fundamentals of the Islamic law*. 46(2): 261-77.
20. Margolis, J. D., J. P. Walsh. (2003). Misery loves companies: Rethinking social initiatives by business. *Admin. Sci. Quart.* 48(2) 268-305.
21. McGuire, J. B., Dow, S., & Archgeyd, K. (2003). CEO incentives and corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 45(4), 341-59.
22. Mirhashemi Z. S., & Sarhangian, M. (2015). Possibility of using endow in commercialization of knowledge and technology and a proposal model. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 2(8), 63-82. (Persian)

23. Mughniyeh, M.J. (2000) Islamic jurisprudence of Imam Sadiq, Ansariyan Institute, Qom
24. Qiang, Z. (2007). Preliminary study of sports charity. Journal of Physical Education), 2,141-44.
25. Sadry S. M., & Hendizade, H. S. (2014). Financial endowment values. Islamic Jurisprudence Research, 10(3), 515-48. (Persian).
26. Safayyi pour, M. (2004). Investigating the endemic lands of Ramshir city. Javidan Heritage, 47 (2), 112-21. (Persian).
27. Shabani, Z. (2014). The humanitarianism of charity NGOs for school builders in the last decade. Biquarterly Journal of Islamic Education, 9(19), 67-94. (Persian).
28. Shah Husseini, P. (2010). Educational endowed from the point of view of cultural geography. Geography, 8 (24), 88-99. (Persian).
29. Tusi, A. J., & Mohammad I. H. (1990). Al-Khalaf printing of the algiers, printing house of the Al-Nasir Al-Salsi. The affiliate of the Islamic association of the Islamic Republic of Iran. (Persian).
30. United Nation. (1989). Convention on the Right of the Child, available at: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>
31. Walters, G., & Tacon, R. (2011). Corporate social responsibility in European football: A report funded by the UEFA research grant programme. London : Sport Business Center, Birkbeck University of London.
32. Westerbeek, H. M., & Shilbury, D. (2003). A conceptual model for sport services marketing. International Journal of Sport Marketing and Sponsorship, 5(1), 11-31.
33. Won, D., Park, M., & Lee, Y. (2013). Factors influencing college students' choice of a charity sport event. Journal of Global Scholars of Marketing Science, 23(1), 41-54.
34. Zhang, L., & Hu, J. (2016). Exploring the most important factor of chinese sports charity by using system dynamics simulation. Proceedings of the Tenth International Conference on Management Science and Engineering Management, Baku.

استناد به مقاله

افروزه، محمد صادق، افروزه، حکیمه، و کاملی، فاطمه. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل موثر بر جذب خیران و واقفان در ورزش. مطالعات مدیریت ورزشی، ۹(۴۶)، ۱۵۷-۷۴. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2017.4484.1865

Afroozeh. M. S., Afroozeh. H., & Kameli. F. (2018). Identifying the Effective Factors of Donors and Endowment Attracting in Sport. Sport Management Studies, 9(46), 157-74. (Persian).
Doi: 10.22089/smrj.2017.4484.1865

Identifying the Effective Factors of Donors and Endowment Attracting in Sport

M.S. Afroozeh¹, H. Afroozeh², F. Kameli³

1. Assistant Professor of Sport Management, Jahrom University*
2. Ph.D. Student of Sport Management, Guilan University
3. M.Sc. of Sport Management, Azad University branch of Lar

Received:2017/07/15

Accepted:2017/10/11

Abstract

Community Contribution is one of the factors in development of sport now .The aim of this study was to identify factors that could bring Endowment and Donors into the realm of sport. The research method was mix and the statistical population consisted of the charities, the managers, the sports experts and the Hajj and the endowments. According to a targeted and accessible sampling method, 150 people were selected as the statistical sample. The instrument used in this research was a researcher-made questionnaire that was distributed among the samples in two parts of the personal data and the main part of the questionnaire. Structural validity of the research tool was used through exploratory factor analysis with orthogonal rotation and confirmatory factor analysis was used to determine the validity of the questionnaire structure. The results showed that the component of ethics with three categories (respect, social responsibility, social capital), can have the greatest impact on attraction. Using this proposed pattern of research and the face of the local package may possibly increase the rate of Contribution in sport in the region, based on to the characteristics of each region. Therefore, it is suggested through public and private education while attracting charity to sports, qualitative sports charity be promoted.

Keywords: Donors, Education, Legal, Sport, Contribution

*Corresponding Author

Email: sadegh.afroozeh@jahrom.ac.ir